



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۶/۲۴



م. نسیم اسیر

ملک الشعراى افغان ها در هجرت

باز حکمتیار؟؟

دوران زعامت تنظیم ها در کابل ناگوارترین دوره ای بود که علایم بی سر و سامانی و ویرانگری آن از سیمای برهم خورده کابل زیبا تا هنوز نمایان است. در این ویرانکاری ها و آدم کشی ها و قتل عام مردم بی گناه همه تنظیم ها بخصوص حزب اسلامی در راس آقای «حکمتیار»، با راکت پرانی ها سهم بارزی داشتند. گر چه آقای امین کریم نماینده این حزب هنگام مذاکرات صلح با دولت کابل، در مصاحبه ای با یکی از تلویزیون ها برای گریز از مسؤولیت، کابل را به زون های شمال و جنوب تقسیم و استدلال نمود که مسعود در کوه آسمانی در شمال شهر و حکمتیار در چهار آسیاب، جنوب شهر قرار داشتند و بیشترین خرابی ها هم در بخش جنوبی کابل در اثر راکت های مسعود به وقوع پیوسته است. هر چه باشد این صدا از حلقوم همه کابلیان با درد و اندوه بلند است که کابل را سگ جنگی های تنظیمی به خاک برابر ساخت که یکی از آن ها جاه طلب ترین و جنگی ترین و خونخوار ترین یعنی حزب اسلامی گلبدین است که اینک برای مصالحه قدم پیش کرده است.

معاهده صلح با جنگی ترین تنظیم جهادی «حزب اسلامی» عنقریب امضاء خواهد شد. مردم درد رسیده وطن بخصوص کابل که خاطرات خیلی تلخ و ناگواری از کشتار های غیر مسؤولانه و ویرانی شهر زیبای خود به خاطر دارند، با دلهره و نا آرامی انتظار چنین معاهده ای را می کشند. جناب محترم آقای «حمید انوری» که همیشه بر مسایل خیلی مهم وطن انگشت انتقاد می گذارند، اینک با درک اهمیت موضوع از پیوستن این حزب با دولت وحدت ملی متن کتابی را به نشر می سپارند که زندگینامه گلبدین را در شرایط روابط خانوادگی و اجتماعی روشنی می اندازد. من هم که دل نا آرام دارم، یادم از سروده ای آمد که هفت سال پیش در برابر چنین تصمیمی سروده بودم و اینک با تغییر کوچکی، از نظر تان می گذرانم:

"گلبدین" و این تمکین؟؟، باورم نمی آید

جنگ با شعار دین باورم نمی آید	در برادری و کین باورم نمی آید
گرامیرتنظیم است، از قرابتش بیم است	سر نمی کند پائین، باورم نمی آید
چهره را بدل کرده، نرمش عمل کرده	از شقاوت پیشین باورم نمی آید
در قطار دینداران، با غرور و عز و شان	می دهد شعار دین باورم نمی آید

خصلتش چو قصابست، خون بچشم او آبست
میکشد ندای صلح، می تپد برای صلح
گرچه شیوه اش جنگست، گفته اش دگر رنگست
ادعای او بیجاست، کز همه جهان بالاست
آیه های قرآنی پیش او اگر خوانی
گرکند هزاران بار، از صفا و صلح اظهار
گفته ها همه تزویر، وعده ها همه تصویر
می کند «اسیر» اظهار، با تعجب بسیار

دامنش بود خونین، باورم نمی آید
کس نمی کند تضمین، باورم نمی آید
پر عداوت است و کین، باورم نمی آید
جلوه می کند سنگین باورم نمی آید
گر بگویدت آمین، باورم نمی آید
زین حکایت ننگین، باورم نمی آید
کارها همه چرکین، باورم نمی آید
"گلبدین" و این تمکین؟؟، باورم نمی آید

م. نسیم «اسیر» نومبر ۲۰۰۹م، فرانکفورت

